

چشم انداز روابط ایران و عمان



نویسنده: مسعود رضایی

ماهنامه خلیج فارس و امنیت

چکیده:

بی شک دوکشور ایران و سلطان نشین عمان با توجه به فرازو فرودهای تاریخی فی مابین می توانند نقشی تعیین کننده در آینده منطقه خلیج فارس داشته باشند بنابراین با توجه به این امر که ایران برخلاف سایر همسایگان خود درحوزه خلیج فارس هم نژاد و هم زبان نبوده و نکته مؤثر اینکه ایران تنها کشوری درمنطقه هست که با قدرتهای فرا منطقه ای هیچ گونه ارتباط نظامی ندارد، به عبارت دیگر تنها یکه تاز غیرعرب حوزه این خلیج است، باید با ظرافت هرچه تمامتر به دنبال همگرایی با سرزمینی باشد که قابلیت های خود را بیش از پیش در آن به منصفه ظهور رسانده و ایجاد نوعی همگرایی استراتژیک نماید. عمان بی تردید نزدیکترین همسایه جنوبی ایران در آب های خلیج فارس بشمار میرود که دارای ریشه های فرهنگی و مذهبی با سرزمین ایران است بنابراین تحت هیچ شرایط زمانی نباید دستگاه دیپلماسی ایران از آن غفلت نماید البته عراق نیز از این قاعده مستثنا نبوده ولیکن باتوجه به ماهیت جستارپیش رو سعی می شود توانمندی های این سلطان نشین جهت تعامل و حسن همجواری مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

کلید واژه: تنگه هرمز، خلیج فارس، ایران، عمان، استراتژیک، ژئوپولیتیک

درآمد :

منطقه استراتژیک و ژئوپولیتیک خلیج فارس را می توان یک از کانون های حساس در گذشته ، حال و آینده تاریخ بشری به حساب آورد جاییکه زمانی پطر کبیر امپراتور روسیه تزاری در وصیت نامه خویش آرزوی خود را مبنی بر شستن پوتین های سربازان روس در آب های گرم خلیج فارس ابراز داشته بود و در همین راستا دیوید نیوسام، معاون وزارت خارجه ایالات متحده در سال ۱۹۸۰ در سخنرانی در دانشگاه جرج تاون ابراز داشت: اگر جهان دایره ی مسطحی باشد و کسی بخواهد مرکز آن را پیدا کند، یقیناً می توان گفت که مرکز آن خلیج فارس است... در واقع در دوران معاصر مکان ویا موقعیت جغرافیایی با اهمیت تر از این منطقه در دنیا وجود ندارد که مورد توجه همگان قرار گیرد. البته سابقه حضور استعمارگران غربی خود صحه ای براین نکته بغرنج می باشد بطوریکه اشاره ای اندک و گذرا در این باب خود گویای امر خواهد بود . در سال هزار و پانصد و چهارده، پرتغالی ها این دهکده کوچک {بندر عباس} را برای پیاده شدن و بارگیری اجناس از خشکی انتخاب کردند .به دلیل خرچنگ زیادی که در ساحل این بندر وجود داشت، نام آن را ((بندر کامارائو))، یعنی بندر خرچنگ گذاشتند .نام متداول بعدی؛ یعنی ((گمبرون)) به احتمال زیاد از لغت پرتغالی ((گامارائو)) اقتباس شده است. در سال هزار و ششصد و بیست و دو میلادی شاه عباس توانست با کمک انگلیسی ها دست پرتغالی ها را از این بندر کوتاه کند ولیکن حضور بریتانیا در مناقشه ایران و پرتغال در خلیج فارس خود مقدمه ای بر استیلای استعماری این دولت را در قرون بعدی فراهم آورد.

یکی از علل اهمیت روابط استراتژیک ایران و عمان وجود تنگه هرمز در ناحیه شمالی خلیج فارس می باشد . به واقع این تنگه کانال طبیعی منحنی و باریک است که خلیج فارس را به اقیانوس هند متصل می کند. طول تنگه در حدود ۱۰۰۰ مایل دریایی می باشد. ((که ادامه کوهپایه های جنوبی ایران به شبه جزیره مسندم را قطع می کند . بنابراین ، تنگه هرمز از نظر زمین شناسی یک بریدگی است که از طرف شمال به ایران و از طرف جنوب به شبه جزیره مسندم محدود می شود. باریک ترین قسمت این تنگه - ۲۱ مایل دریایی - حد فاصل میان جزیره ایرانی خارک و جزیر عمانی قوین بزرگ است . ایران و عمان هر دو ادعای ۱۲ مایل از آبهای سرزمینی این قسمت را دارند که در یک امتداد آبی ۱۵ مایلی با هم تداخل پیدا می کنند. لذا در اینجا دو کشور توافق کرده اند که یک خط منصف ترسیم کنند.)) (۱)

فی الواقع دولت ایران به جهت تکمیل طرحی که منجر به احاطه تنگه هرمز می گردید در دهه ۷۰ میلادی ، ایجاد روابط حسنه و نزدیکی با سلطان نشین عمان را از اولویت های سیاست خارجی خود محسوب نمود و با توجه به این نکته خطیر که تنگه نزدیک به سواحل عمان است بنابراین ایران شبه جزیره مسندم و جزیره های اقماری آن را از دید راهبردی و البته به نیت بدست آوردن این خطوط کشتیرانی مهم تلقی میکرد. در همین

دوران دولت تهران آمادگی به جهت کمک به ممالک همسایه درحوزه خلیج فارس برای حل مسایل امنیتی ایشان را اعلام داشت. که البته درهمین راستا دولت عمان در رابطه با ماجرای ظفار از ایران درخواست کمک نمود.

اهمیت تاریخی تنگه هرمز در روابط ایران و عمان؛

به واقع نزدیک به ۶۰ درصدنفت جهان از تنگه هرمز عبور می کند و باریک ترین محل عبوری خلیج فارس در این تنگه در حدود ۷۰ کیلومترمربعه و کوتاه ترین فاصله بین سواحل شمال و جنوب ، بین جزیره لارک در شمال و جزیره قوین بزرگ در جنوب تنگه هرمز در حدود ۳۹ کیلومتری باشد که آب های ۱۲ مایلی دو سرزمین در آن تداخل می یابد. در تیرماه سال ۱۳۵۳ قراردادی مابین ایران و عمان منعقد گردید که طبق آن با توجه به حضور بخشی از جزایر ایرانی در این تنگه ، ایران دارای سیادت سیاسی و البته جغرافیایی در بخش وسیعی از تنگه هرمز می باشد با توجه به تجارب سیاسی در سال های اخیر مشخص می باشد است عمان در بین سایر دول عربی حوزه خلیج فارس ، علاقه مند به دوری از تهاجم نظامی احتمالی ایالات متحده به ایران و البته کمتر از دیگران، نسبت به برنامه هسته ای ایران ظنین می باشد. در ضمن عمان در سال ۱۳۵۸ به جهت کسب ایمنی راه های کشتیرانی در تنگه هرمز خود را نیازمند کمک های بین المللی می دید و درهمین راستا نیروهای نظامی غربی بالخص آمریکا را ترغیب و تشویق نمود تا در این تنگه حضور یابند . لازم به یادآوری است که با توجه به این امر که این تنگه در محدوده جغرافیایی ایران و عمان است ، تلاش نیروهای نظامی دول فرمانطقه ای به جهت کسب امنیت در آن بالطبع خود به نوعی مداخله گری در امور داخلی این دو کشور است. ساحل عمان نزدیک به ۸۰ کیلومتر با تنگه هرمز ایران فاصله داشته و همکاری های متقابل و فی مابین با این کشور، بیشتر از آن روی می باشد که هرگونه تهاجم نظامی بر علیه ایران پیامدهای ناگواری برای عمان از جمله انزوای اقتصادی و مسائل امنیتی به همراه خواهد داشت. ((تنگه هرمز باریکه دریایی خمیده شکلی است که در منتهی الیه شرقی خلیج فارس واقع شده است و فلات ایران را از شبه جزیره عربستان جدا می کند و آب های خلیج فارس را به دریای عمان و اقیانوس هند پیوند می دهد. این تنگه یک فرورفتگی از دوره سوم زمین شناسی است که ادامه رشته کوه های جنوبی ایران به شبه جزیره مُسندَم را قطع می کند. برای تعیین درازای تنگه هرمز معیار ویژه ای وجود ندارد؛ شاید بهترین معیار، مرز دریایی تعیین شده میان ایران و عمان باشد. طول این خط مرزی ۲۰۲۱ کیلومتر (۱۲۴۸ مایل دریایی) است. طولانیترین فاصله تنگه هرمز ۸۴ کیلومتر (از کرانه های بندرعباس در شمال تا شمالیترین نقطه کرانه های مسندم در جنوب)، کوتاهترین آن (میان جزیره ایرانی لارک در شمال و جزیره عمانیالسلامه - که نام دیگر آن قوین بزرگ است - در جنوب) ۳۳۶ کیلومتر بر آورد شده است ... نام تنگه هرمز در نوشته های کهن دیده نمی شود. هنگام اقتدار بریتانیا در خلیج فارس (۱۱۹۹ ش - ۱۳۴۹ ش / ۱۸۲۰ - ۱۹۷۱) نام تنگه

هرمز از جزیره هرمز گرفته شد که مهمترین جزیره خلیج فارس به هنگام روی آوردن استعمار اروپایی به منطقه بود)) (۲)

((آنچه مسلم است، ۲ طرف معتقدند که عبور شناورها از این منطقه باید صلح آمیز و بی ضرر باشد و طرف عمانی هم که شناورها و سواحل و مناطقی را در آن سوی این آبراه دارد، به این نکته توجه دارد که خواست ایران این است که این آبراه، آبراه صلح و دوستی باشد، نه آبراه جنگ و ستیز. در عین حال جمهوری اسلامی ایران این آمادگی را دارد که در برابر هر اقدام تحریک آمیز ممکن هوشیاری به خرج دهد و واکنش شایسته ای داشته باشد. نظیر آنچه همزمان با سفر بوش به منطقه به وقوع پیوست و سیاستمداران غربی تلاش کردند این منطقه را نزد افکار عمومی ناآرام جلوه دهند و جهان را علیه ایران تحریک کنند، اما اقدام بموقع ایران مانع جدی برای این ترفند آنان شد. چنین حرکتی با حضور اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی در عمان همزمان بود و برای مقامات عمانی بروشنی آشکار شد. آنچه علیه ایران در افکار عمومی منتشر شده بود، فضا سازی رسانه ای بوده و واقعیت نداشته است. همچنین مقامات عمان نیز تاکید کردند اهتمام ویژه ای دارند که مانع از هر حرکت و تحریکی در منطقه و ایجاد فضای آرام در آن شوند.)) (۳)

ضمناً فعالیت های دولت هایی همچون عربستان سعودی به جهت تقلیل اهمیت راهبردی این تنگه مثل ایجاد خط لوله نفت به طول ۱۲۸۷ کیلومتر که با ظرفیت ۱/۸ تا ۳ میلیون بشکه در روز، نفت این سرزمین را به ساحل دریای سرخ می رساند و یا طرح های عراق برای عبور نفت خود از طریق خط لوله از طریق کشور ترکیه با ظرفیتی در حدود ۲ میلیون بشکه در روز، و البته قراردادی که این دولت با عربستان به ظرفیت روزانه ۲/۱ میلیون بشکه و قراردادهایی از این دست با ترکیه به هیچ روی نتوانسته از قدرت و ارزش راهبردی اهمیت استراتژیک تنگه هرمز بکاھد. تنگه هرمز از آن حیث دارای اهمیت فوق العاده برای ایران می باشد که در واقع شاهرگ ارتباطی مابین ایران و سایر کشورهای جهان و منطقه است. ((...))

مرزهای تعیین شده در این قرارداد {قرارداد تیر ماه ۱۳۵۳ مابین ایران و عمان}، در مدخل تنگه هرمز در خلیج فارس یک نقطه آغاز دارد که با نقطه آغاز مشترک تعیین نشده میان ایران و عمان (رأس الخیمه) برابر است. از نقطه آغاز، این خط مرزی ۲۱ نقطه گردش را پشت سر گذاشته با شکلی منحنی در دریای عمان و مدخل دریای عرب به پایان می رسد. با توجه به امکان حفر چاههای نفتی افقی (آریبی) در دریا، در قرارداد مرزی ایران و عمان منطقه ای ۱۲۵ متری در دو سوی خط مرزی تعیین شده، منطقه ممنوعه اعلام شد و هر دو کشور تعهد کردند که در این منطقه ممنوعه به اکتشاف و استخراج نفت نپردازند قرارداد مرزی ایران و عمان روش مطالعه ویژه ای را در ترسیم نشان نمی دهد، جز اینکه مرز تعیین شده، بر اساس محاسبه خط میانه تنگه هرمز نسبت به کرانه های دو جزیره لارک و السلامه و نسبت به کرانه های دیگر جزایر دو کشور ترسیم شده است. طول این خط مرزی ۲۰۲۱ کیلومتر (۱۲۴۸ مایل دریایی) است و تعیین نقطه آغاز این مرز در خلیج فارس و نقطه پایان آن در دریای عمان، به توافق عمان و امارات متحده عربی بر سر مرزهای خشکی و دریایی در دو طرف خلیج فارس و دریای عمان موکول شده است)) (۴)

بالتبع اعتقاد راسخ ایران برای نگاهبانی تنگه هرمز که در زمان نبرد ظفار، با هزینه ی گزافی نمود بارزی یافت، موجب گردید ایران بعد جغرافیایی عمان در تنگه هرمز را دارای ارزش بسیار فراوان بدیده بگیرد. در سال ۱۳۵۲ گزارش شد که ایران از عمان درخواست نموده است که بطور مشترک، همگی کشتی هایی که از تنگه هرمز عبور می کنند را مورد بازرسی قرار دهند.

خلیج فارس به مثابه یک منطقه ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک؛

موقعیت مکانی و جایگاه استراتژیک و ژئوپولیتیک منطقه خاورمیانه رامیتوان باتوجه به اظهارات (فون لوهازن)، ژنرال پیشین ارتش اتریش مورد تجزیه وتحلیل قرار داد. نظریه نامبرده بر این عنصر استوار میبود که منطقه خاورمیانه کانون دنیای قدیم بوده است. و البته کانونی که در مرکز آن خلیج فارس واقع است. طبیعیست که در این ناحیه تنها نفت دارای ارزش فوق العاده نمی باشد و فاکتورهای دیگری نیز باید لحاظ گردد. بنابراین با اندکی تعمق آگاه خواهیم شد که در هیچ نقطه ای دیگر، اقیانوس ها تا این اندازه در اوراسیا و آفریقا رسوخ نکرده اند، اقیانوس هند از دو مسیر در دو منطقه خلیج فارس و دریای سرخ و به همین ترتیب اقیانوس اطلس از طریق دریای سیاه و مدیترانه در این ناحیه رخنه کرده اند. ((منطقه ژئوپولیتیکی خلیج فارس جزو مناطق حساسی است که از سال ۱۹۰۸ میلادی هنگامی که نخستین چاه در مسجد سلیمان به نفت رسید، اهمیت نوین جهانی یافته و پس از جنگ دوم به ویژه در دو دهه ی اخیر به صورت یک منطقه ی فعال و دارای کارکردهای خاص در نظام بین الملل درآمده است. حوزه ی خلیج فارس از حوزه های ژئوپولیتیکی پیرامون خود تأثیر پذیرفته و مسایل آن حاصل ترکیب والتقای مسایل، نیروها و دیدگاههای خاص چهارحوزه ی پیرامونی و در پیوند برخی حوزه ها، نیروها ی مداخله گر فرامنطقه ای می باشد که هویت ژئوپولیتیکی آن را شکل می دهد... منطقه خلیج فارس در چارچوب نظریه های ژئوپولیتیکی دوره ی جنگ سرد و قبل از آن، بین دو قلمرو حاشیه ی داخلی (ریملند) و حاشیه خارجی که در نظریه های مکیندر و اسپایکمن انعکاس یافته بود قرار داشت... با فروپاشی شوروی و پایان دوره جنگ سرد در منطقه، نه تنها از اهمیت ژئوپولیتیکی خلیج فارس کاسته نشد بلکه این اهمیت به لحاظ یکه تازی ابر قدرت به جای مانده از دوران جنگ سرد اهمیتی روزافزون یافت و تحولاتی را در منطقه رقم زد...)) (۵)

سرزمین عمان ؛

عمان در دوران های گوناگون تاریخی با اسامی مختلفی شناخته شده است. ولیکن از بارزترین نام هایی مطرح شده همانا مگان بوده است. به نظر می رسد این اسم با صنعت کشتی سازی ارتباط داشته است که البته ریشه در زبان سومری ها دارد. همچنین مدتی عمان مزون یا ماسون نامیده می شد که بالتبع بدلیل وجود چشمه های فراوان آب شیرین در این ناحیه می باشد. همچنین نام فعلی (عمان) نام مکانی نسبتاً قدیمی در یمن نشأت گرفته است و از آن ناحیه قبیله های عربی به مهاجرت کرده اند. سرزمین عمان در بخش انتهایی

شرق و جنوب شرقی کشور عربستان سعودی مابین ناحیه جغرافیایی ۴۰/۱۶ و ۲۰/۲۶ درجه عرض شمالی و ۵۰/۱۵ و ۴/۵۹ درجه طول شرقی قرار گرفته است. عمان به صورت یک کمربند ساحلی در فاصله میان ربع الخالی و دریای عرب قرار گرفته است. همچنین این کشور با وسعتی معادل با ۳۰۹۵۰۰ کیلومتر شامل جزیره مسندم و سرزمین اصلی عمان جزایر کوچکی نیز است.

جزایر ؛

(۱) جزیره مصیره

جزیره مصیره از زمان های پیشین پایگاه نیروهای نظامی استعمار بریتانیا بوده است. در ضمن مابین این جزیره و همچنین ساحل عمان نیز تنگه ای به همین اسم موجود می باشد. لازم به یادآوریست که در شرایط فعلی و از دیدگاه استراتژیک دارایی ارزش بسیاری می باشد و البته مدتی قبل قراردادی مابین دولت سلطان نشین عمان و آمریکا منعقد گردید که براساس آن، مقررشد که نیروهای نظامی ایالات متحده پایگاه نظامی پیشین بریتانیا را بازسازی نموده و در آن مستقر بشوند. نکته حائز اهمیت در رابطه با جزیره مصیره این است که جزیره مذکور تنها در حدود ۴۰۰ مایل با، با اهمیت ترین منطقه ای که دارای منابع نفتی ست فاصله دارد.

(۲) جزیره های کوریا و موری

جزیره های مذکور از به هم پیوستن جزایر گوناگون ایجاد شده اند. که در محدوده دریای عرب و چهل کیلومتری ساحل عمان در نزدیکی شمال شرقی استان استراتژیک ظفار واقع شده است. جزایر مذکور دارای ۵ جزیره به نام های ماسکی، جیلیه، حالانیه، جورزونه و سورا است. ضمن اینکه مساحت جزایر کوریا و موری ۷۰ کیلومتر مربع است و ساکنان اندکی دارند و البته بخش های وسیع جزایر قابلیت سکونت ندارد.

بنادر ؛

کشور سلطان نشین عمان از بنادر بسیاری برخوردار است که به ترتیب اهمیت برخی از آنها ذکر می گردد:

(۱) بندر قابوس ؛ در واقع مهم ترین بندر عمان می باشد که در دوران حکومت سلطان قابوس بنیان شده است و به نوعی و از حیث کارآمدی کاملترین و مهمترین بندر این سرزمین می باشد.

(۲) بندر مطرح ؛ این بندر بدان جهت دارای اهمیت استراتژیک میباشد که محلی برای استقرار کشتی های اقیانوس پیما است .

(۳) بندر مینا الفحل؛ بندر مذکور شاهراهیست که از آن نفت خام سلطان نشین عمان پس از گردآوری از سایر بخش های کشور به خارج ارسال می گردد.

۴) بندر خصب؛ واقع در بخش مسندم بوده و از ویژگی های بارز این بندر استقرار نیروی دریای عمان است.

۵) بندر ریسوت؛ از این بندر به جهت بارگیری نفت کشتها استفاده می گردد

۶) بندر صور؛ تقریباً در بخش جنوبی پایتخت قرار دارد

۷) بندر برکه؛ از خصوصیت های مشخصه این بندر، سکونت ایرانیان بلوچ می باشد.

۸) بندر صلاله : این بندر به دلیل اینکه محلی جهت ترانزیت بوده از بنادر راهبردی عمان محسوب می گردد.

شهرهای راهبردی؛

۱) شهر مسقط پایتخت؛ شهر بندری مسقط هم اکنون دارای بیش از نیم میلیون جمعیت می باشد. بسیاری از ساکنان این شهر عبارتند از آفریقایی تباران ، هندوها ، پاکستانی ها و بلوچ های ایرانی تبار. از خصوصیات بارز مسقط زیبایی و نظافت فوق العاده آن می باشد. در زمینه خدمات عمرانی، شهردار پایتخت مسقط در سال ۲۰۰۳ در سفری که به نیویورک داشته بود که در حین این سفر موفق گردید جایزه پاکیزه ترین شهر جهان را از سازمان ملل متحد دریافت نماید، لازم به ذکر است که عنوان گردد طی برنامه های مطرح گردیده از جانب دولت عمان قرار بر این است که تا انتهای سال ۲۰۱۳، در حدود ۸۰ درصد جمعیت شهر مسقط میباید قادر بوده باشند تا از سرویسهای فاضلاب شهری استفاده نمایند. بعلاوه مقرر گردیده است تا انتهای ۲۰۱۷، ۹۰ درصد جمعیت باید از این خدمات بهره مند گردند.

۲) شهر سیب ؛ شهر است که در آن معاهده مشهور سیب مابین امام محمد و تیمور به امضاء رسید

۳) شهر مطرح؛ در واقع مطرح یکی از اقمار شهر مسقط می باشد با جمعیتی که عمدتاً شیعه اسماعیلی هستند. ضمناً برخی اهالی شهر از شهری به نام (کوچ) از بخش غربی هند به عمان مهاجرت نموده و سکنا گزیده اند.

۴) نزوی؛ این شهر از مراکز هواداران فرقه اباضی محسوب می گردد.

جمعیت ساکنان سلطان نشین؛

((براساس سرشماری حکومت عمان در سال ۲۰۰۵ میلادی ، کشور سلطنت نشین عمان بالغ بر ۲۵۰۸۸۳۷ نفر جمعیت داشته است که شامل ۱۸۴۲۶۸۴ نفر عمانی الاصل و ۶۶۶۱۵۳ نفر غیر عمانی می باشد.)) (۶)

مذهب و ریشه های تاریخی آن در عمان؛

به واقع عمان جزء اولین سرزمین هایی بودند که در حیات پیغمبر نبی اکرم به دین مبین اسلام گرویدند ولیکن در ادامه راه با توجه به اینکه اکثریت متولیان خوارج اهل عمان بودند رفته رفته این نگرش در میان احاد جامعه رسوخ نموده و پس از مدتی هواداران این فرقه در صدد ایجاد حکومتی با هویت اباضی که یکی از زیر گروه های مذهب خوارج است ، برآمدند. در حال حاضر اکثریت نسبتاً قاطع مردم سلطان نشین عمان از پیروان اباضی هستند. در متون اسلامی در رابطه با زمان پیدایی این فرقه دوره های گوناگونی عنوان شده است ولیکن اباضی ها خود معتقدند فردی به نام جابر بن زید که احتمالاً در اوایل قرن دوم هجری می زیسته بنیانگذار این جریان بوده است و به دلیل حضور دائمی نامبرده در میان عمانی ها لا جرم ایشان نیز تحت تأثیر وی بدین مذهب گرایش یافته اند. نکته شایان توجه این است که تا پیش از به قدرت رسیدن سلطان قابوس سران اباضیان تحت عنوان (امامان اباضی) همواره در کشاکش با سلطانان زمانه این سرزمین بوده و در بسیاری مواقع قدرت سیاسی را نیز کسب نموده بودند اما با ظهور سلطان قابوس هرچند که وی و خاندانش از پیروان مذهب اباضی هستند ولیکن نامبرده با به قدرت رسیدن خود خط بطلانی بر پایان امامت اباضی کشید. ولی در عین حال و با توجه به کوشش های بی دریغ ، بدلیل بافت بسیار مذهبی جامعه عمان و تحت سلطه بودن این سرزمین در قرون متمادی با گرایش مذهب اباضی ، شخص سلطان قابوس موفقیت چشمگیری را در این زمینه بدست نیاورده و می توان همچنان رگه هایی از این مذهب را در امور سیاسی عمان مشاهده نمود. ترکیب جمعیتی مذهبی در عمان عبارتست از : ۷۵ درصد مذهب اباضی ۲۲ درصد اهل سنت و ۳ درصد شیعیان که خود به دو گروه اسماعیلی و اثنی عشری تقسیم می گردند نکته درخور توجه دیگر وجود روح مدارا و سازش مذهبی در بافت جامعه عمان هست بطوریکه در این سرزمین فرق مختلف در کمال آرامش و همزیستی مسالمت آمیز در کنار یکدیگر زندگی نموده و حتی اباضیان در مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام در ایام محرم در حسینیه های شیعیان حضور به عمل می آورند. این روح تساهل گونه به نحوی است که حتی وزارت خارجه ایالات متحده در گزارش سال ۲۰۰۶ که البته همه ساله در رابطه با آزادی و مدارای مذهبی ارائه می دهد از این حیث سرزمین عمان را مورد ستایش قرار داده است. ضمناً فرقه اباضیه با نگرش وهابی که سیاست را در کشور عربستان سعودی به پیش می برد در تضاد فاحشی بوده تا جاییکه به جرأت می توان گفت که وهابیون حتی با توجه به سرمایه گذاری دولت عربستان در سرزمین عمان دارای هیچ گونه پایگاه اجتماعی نیستند.

سهم عمان از ذخایر اثبات شده نفت جهان ؛

کشور عمان دارای ۵/۵ میلیارد بشکه ذخایر نفتی می باشد که این مقدار ۰/۴ درصد ذخایر جهانی را تشکیل می دهد.

نگاهی به ریشه های تاریخی مشترک و روابط فی مابین ایران و عمان؛

نگاهی به دیباچه تاریخی هر دو سرزمین نشانگر این نکته خطیر می باشد که ساکنان و دول دو کشور در طول دوران های گوناگون تاریخی دارای انواع ارتباطات و تعاملات با یکدیگر بوده اند از قبیل روابط فرهنگی ، نژادی و عمرانی تا روابط سیاسی امنیتی. لازم به ذکر است عنوان گردد که گاهی در اندک زمان هایی این تعامل همراه با اصطکاک بوده است . بنابراین ارائه هرگونه چشم انداز بدون بررسی و تحلیل تاریخی که تا امروز بدست آمده است منتج به نتیجه ای خردمندانه نخواهد بود.

((سلطان نشین عمان ، مردم کشورش و مردم ایران را از یک منشاء میدانند و تاکید دارد که مردم کنونی شیحوح در شمال عمان بازماندگان ساکنان اولیه این منطقه هستند که از کلیه دیگر قبیله های عرب تیر پوست ترند.)) (۷)

((کتاب عمان ۹۳ منتشر شده توسط دولت عمان معرفی سیستم قنات را به آن سرزمین به کوروش هخامنشی نسبت می دهد و اشاره دارد :

((کوروش کبیر ، بنیان کننده امپراتوری پارس، در قرن چهارم پیش از میلاد بر این سرزمین چیره شد و در نتیجه آن سیستم مشهور آبیاری زیرزمینی (فلج) معرفی گردید و دارای منطقه بطینه فزونی گرفت)) (۸)

((والتر داستال میگوید که اجماع شیحوح ترکیبی از دو تیره ایرانی و عرب هستند که کمازره تیره ایرانی و از ریشه بلوچ آریایی هستند و ساکنان اصلی مسندم عمان و منطقه عمان شمالی را شکل میدهند)) (۹)

((وزارت فرهنگ و اطلاعات عمان تاکید دارد که شیحوح عمان به دو زبان فارسی و عربی سخن میگویند)) (۱۰)

بعد از ظهور نادرشاه ، بندربوشهر مقر ناوگان ایران شد و بندرعباس و توابع آن طبق قرارداد، به سلطان مسقط به اجاره واگذار شد. در پی شورش سال ۱۸۶۸ میلادی در مسقط ، این امتیاز لغو شد و شهر بندرعباس و توابع آن دوباره به تصرف کامل دولت ایران درآمد. در واقع رابطه دو سرزمین در سالهای پایانی قرن ۱۸ و سالهای نخستین قرن ۱۹ حول محور بندرها و جزایر مهمی از قبیل بندرچابهار و بندرعباس و هم چنین جزیره های بحرین ، هرمز می بود. واز آنجای که پس از به قدرت رسیدن احمد بن سعید که سلسله آل بوسعید را در عمان پایه گذاری نمود و البته این زمانی بود که حکومت ایران فاقد اقتدار منطقه ای ناشی از مرگ نادرشاه افشار بود وی به بنادر و جزایر جنوب ایران دست اندازی کرده بعضی از آنها را تصرف کرد و در اوائل حکومت قاجار نیز کمتر به مسائل رسیدگی می کردند ... ((از بررسی اسناد و مکاتبات سیاسی

مربوط به قرن نوزدهم معلوم می شود بعضی از رجال وقت ایران ، مسقط و عمان را جزیی از خاک ایران دانسته و حکام این سرزمین را دست نشانده دولت ایران می دانستند. پیرویی که عده ای از سلاطین (آل بوسعید) و امامان مسقط و عمان از پادشاه ویا حکام شهرستانهای جنوبی کشور ایران می نمودند این نکته را روشن می کند که اگرآنان مسقط و عمان را جزیی از ایران تصور نمی کردند لاقلاً خود را رسماً تحت الحمایه شاه ایران می دانستند.)) (۱۱)

همانطور که عنوان گردید پس از به قتل رسیدن ناگهانی نادرشاه افشار و از بین رفتن قدرت جهت تأمین امنیت مرزی در حکومت ایران فردی به نام احمد بن سعید که با تجهیز یگانهای دریایی به بخشهای جنوبی ایران تجاوز نمود و متأسفانه در یورش برق آسا موفق گردید برخی بنادر و جزایر جنوبی ایران از جمله بندر عباس، بندر چابهار، بندر لنگه و جزیره های هرمز و قشم و البته کیش را به چنگ آورد ولیکن بعد از اینکه آقامحمدخان بر تخت سلطنت جلوس نمود و در این زمان توجه ایران متوجه وقایع جنوبی ایران سلطان عمان پس از اینکه با تحولات درونی کشورمان و فشار دولت ایران بر وی مواجه گردید لاجرم مجبور گردید با ارسال نماینده ای نزد حکومت ایران درخواست نمود که مناطق اشغال نموده را به مدت نزدیک به یک قرن اجاره نماید. و البته زمامداران قاجاری بدلیل اینکه در جبهه های شمال و شمال غرب در حال درگیری با دول روس و عثمانی می بود با این قرار داد مخالفت ننمود. لازم به ذکر است عنوان گردد که سلطان مسقط در دل تمایل داشت که جزیره های هرمز و قشم را از آن خود بداند. این رویه به قولی کج دار و مریض تا اوایل قرن نوزدهم تداوم یافت. در این برهه زمانی بود که دولت بریتانیا در سیاستی کاملاً استعماری تصمیم گرفت از مدعیات طرف عمانی مبنی بر اینکه جزیره قشم جزء خاک عمان است دفاع نمود و البته پارا فراتر از این نهاد، و دست به تصرف جزیره قشم زد. ضمناً در معاهده ای که (درباره اجاره جزیره ها و بنادر ایرانی) در دوره به قدرت رسیدن محمد شاه قاجار امضاء گردید، بخاطر اینکه سید سعید عمانی با وقاحت بسیار که ناشی از تحركات استعماری بریتانیا می بود هرگز اسمی از جزیره های هرمز و قشم برده نشد زیرا که نامبرده آنها را ضمیمه شده به خاک عمان و متعلق به کشور خود می دانست. ضمن اینکه در دوران حکومت ناصرالدین شاه قاجار جزیره های میناب بندر عباس و خمیر طی یک معاهده بعلاوه جزیره های یاد شده پیشین به سید سعید عمانی اجاره داده گردید و البته پس از مرگ وی مجدداً طی قراردادی مشابه به سید سالم نوه سید سعید اجاره داده شد. و در نهایت با مرگ سید سالم دولت ایران دوباره روند استیلای ایران را بر تمامی جزایر و بنادر ذکر شده تحقق دوباره بخشید. لازم به ذکر می باشد که پس از مرگ سید سعید بدلیل ضعف حکام، عمان رو به انحطاط گرایید و استعمار بریتانیا هژمونی خود را بر این سرزمین بدست آورد تا جاییکه موقعیت اقتصادی بازرگانی حکومت مسقط تا حد وسیعی با اضمحلال مواجه گردید و در همین دوره زمانی ارتباطات ایران که مقارن با سلطنت مظفرالدین شاه می بود به سطح نازلی کاهش یافت و این روند حتی در دوران حکومت پهلوی اول ادامه یافته تا اینکه سلطان قابوس قدرت را در دست گرفت بدین ترتیب فصلی نوین در روابط میان دو کشور آغاز گردید که تا بروز انقلاب اسلامی پایدار باقی ماند. نخستین سفیر ایران به سال

۱۳۵۱ اعتبار نامه خود را تقدیم سلطان قابوس نمود و سطح روابط در این دوران تا حد فزاینده ای رو به فزونی نهاد مخصوصاً شخص محمد رضا پهلوی در زمینه حمایت از سلطان قابوس از هیچ گونه کمک نظامی، اقتصادی و... فروگذاری ننمود. به واقع روابط معاصر میان دول عمان و ایران را باید در دو بعد زمانی حکومت پهلوی دوم و نظام جمهوری اسلامی ارزیابی نمود.

قراردادهای مابین ایران و عمان پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷؛

((علاوه بر اعلامیه مشترک ۱۳۵۲/۱۱/۱۷ (۱۹۷۳ م) یک موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره ایران و عمان در تاریخ سوم مرداد ۱۳۵۳ بین وزرای خارجه دو کشور در تهران به امضاء رسید. در اعلامیه مشترکی که در تاریخ ۱۳۵۲/۱۱/۱۷ در پایان سفر سلطان قابوس از ایران انتشار یافت دو کشور اعتقاد راسخ به همکاریهای حاصله در همه زمینه ها به منظور حفظ ثبات و امنیت منطقه و آزادی کشتیرانی عبور و مرور از تنگه هرمز و دریاهای مجاور که برای هر دو کشور اهمیت حیاتی دارد ابراز داشتند و اعلام نمودند که هرگونه اعمال نفوذ در این منطقه از طرف نیروهای خارجی را تقبیح می کنند و آن را منافی مصالح دو کشور می دانند...)) (۱۲)

قائله ظفار؛

منطقه ظفار در بخش جنوبی کشور عمان واقع شده است و از ویژگی های خاص خود در مقابل سایر نقاط عمان برخوردار می باشد بطوری که مردمانش از تیره ودائی بوده و عموماً در مناطق کوهستانی سکنا گزیده اند همگی سنی مذهبند و ازین حیث با سایر مذاهب اسلامی مرسوم متفاوتند. زبان محاوره ایشان از لهجه های عربی قبل از حمیریها بوده و در زمانهای گوناگون به شیوه خودمختار اداره می گردید. بدون شک یکی از نقاط عطف تاریخی مابین ایران و عمان ماجرای شورش در این ناحیه می باشد تاریخ جنگ های ظفار از اوایل تیرماه ۱۳۴۴ شروع گردید و گروه های شبه نظامی ظفار به نواحی قلمرویی که زیر سیطره کمپانی های انگلیسی بود یورش بردند. در ابتدای نبردها شبه نظامیان که تحت عنوان جبهه آزادیبخش مبارزه می نمودند موفق به کسب توفیقاتی گردیدند. ولیکن در ادامه جنگ، کمونیستهایی تحت الحمایه یمن جنوبی پشتیبانی می گردیدند رهبریت جریان را بدست گرفتند و عملاً نیروهای ناسیونالیست ظفاری را از رأس هرم رزمندگان خارج نموده و رفته رفته نام جنبش را به حرکت آزادیبخش عمان و خلیج عربی! دگرگون کردند. سلطان قابوس که بعد از برکناری پدرش از قدرت در سال ۱۳۴۹ سردمدار حکومت در عمان گردید با بحرانی فزاینده در امر امنیت موقعیت سیاسی خود مواجه گردید و با توجه به اعلام آمادگی پیشین ایران مبنی بر کمک نظامی در صورت بروز مسائل امنیتی، نامبرده روبه محمد رضا پهلوی آورد و در کنار نیروهای نظامی ایران، ارتش اردن نیز وارد عمل گردید. ایران با ارتش خود و تمامی تجهیزات ممکنه و البته کمک نیروهای بریتانیا موفق گردید شورشیان را در سال ۱۳۵۴ بطور تعیین کننده با شکستی فاحش مواجه سازد.

سیرو قایع ظفار از ابتدا تا انتها؛

همانطور که ذکر گردید با توجه به اینکه تنگه هرمز نیز که محل عبور ۶۰ درصد از نفت جهان است لذا از این حیث امنیت ملی دو کشور در آبهای خلیج فارس و دریای عمان میتواند بشدت تحت تاثیر همکاری های مشترک تهران و مسقط قرار گیرد. این وابستگی های متقابل موجب شد که ایران در نیمه دهه ۶۰ میلادی، بمنظور دفاع از کشور سلطان نشین عمان به اعزام قوای نظامی خود به آن کشور به جهت مقابله علیه گروههای چریکی موسوم به ظفار اقدام نماید. گروه عنوان شده که از مارکسیست های هوادار نظام چین بشمار می آمدند پس از چند سال مقاومت در برابر ارتش اعزامی ایران شکست خوردند. ((علاقی متقابل همزمان با جلوس قابوس در سال ۱۹۷۰ و متعاقب ارسال پیام تبریک شاه به سلطان جدید، شکل گرفت. بعد از برقراری روابط دیپلماتیک در اوت ۱۹۷۱، ملاقات های متعددی میان دو پادشاه صورت گرفت و در اوایل سال ۱۹۷۳ ایران ۶ هلی کوپتر با خدمه برای کمک به عمان، به ظفار فرستاد. در ماه آوریل، نخست وزیر ایران، امیر عباس هویدا، اعتراف کرد ایران به درخواست سلطان برای کمک، پاسخ داده است.)) (۱۳)

((در ماههای پایانی سال ۱۹۷۴، طبق گزارش های واصله، کل نیروهای ایرانی در ظفار ۱۵۰۰ تا ۳۵۰۰ نفر اعلام شد، ولی نقش ایران در سال ۱۹۷۵ حتی از این هم اهمیت بیشتری یافت. در سال ۱۹۷۵ کل نیروهای ایران به سطح ۳۵۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر رسید.)) (۱۴)

((فانتوم های F5 ایران حراست از مرزهای عمان با یمن جنوبی را از پایگاه ثمریت به عهده گرفتند و قایقهای جنگی ایران بخشی از ساحل ظفار که هنوز تحت کنترل شورشیان بود را گلوله باران کردند.)) (۱۵)

ایران و سلطان نشین عمان پس از انقلاب اسلامی؛

پس از روی کار آمدن دولت جمهوری اسلامی سطح روابط فی مابین فرازونشیب های بسیاری دیده است. ولیکن در سالهای اخیر در زمینه های گوناگون از قبیل اقتصادی فرهنگی نظامی میزان روابط تا حدود مثبتی افزایش یافت که ذکر برخی از موارد به جهت نشان دادن اهمیت چشم انداز روابط ضروری می باشد.

((در سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ شاهد افزایش محسوسی در حجم مبادلات بازرگانی بین دوکشور بوده ایم. حجم این مبادلات در دوره ۱۹۸۹ به پنج میلیون ریال عمانی رسید و در سال ۱۹۹۰ این رقم به میزان ۳۵/۱٪ افزایش یافته و به ۶/۷ میلیون ریال افزایش یافت. در سال ۱۹۹۱ این رقم بطور فزاینده ای یعنی به میزان ۲۱۰/۷٪ افزایش یافت و حجم مبادلات دوکشور به ۲۰/۹ میلیون ریال عمانی رسید. در این خصوص حجم مبادلات طی سالهای پس از آن به رشد خود ادامه داده و در خلال سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ بطور متوالی با افزایش به میزان ۱۰۵/۱٪ ، ۲۰/۲٪ بالغ گردید. بالاترین افزایش در حجم مبادلات بازرگانی در خلال سال ۱۹۹۱ تحقق یافته بطوری که حجم مبادلات به بیش از ۲۱۰ میلیون ریال عمانی بالغ شد که صادرات عمان بیشترین حجم آن را تشکیل داده است... خوشبختانه با توجه به روابط سیاسی نمونه بین دوکشور، روابط اقتصادی بین جمهوری اسلامی ایران و عمان طی دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۶ میلادی ادامه داشته و حتی روابط اقتصادی فی مابین بعد از تصویب قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی ایران (پیرامون مسائل هسته ای) تأثیر نپذیرفت... حجم مبادلات تجاری دوکشور در سال ۱۳۸۵ برابر با ۶۷ میلیون و ۷۳۵ هزار دلار می باشد که از این رقم حجم صادرات ایران به عمان برابر با ۵۱ میلیون و ۷۴۰ هزار دلار و واردات ایران از عمان برابر با ۱۵ میلیون و ۹۵۵ هزار دلار می باشد. در سال ۱۳۸۵ تراز تجاری به نفع کشورمان و برابر با ۳۵ میلیون و ۷۴۵ هزار دلار می باشد.)) (۱۶)

((اداره کل اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه، «محمد بن الرمحی» وزیر نفت و گاز عمان در تاریخ {۸۶/۱۱/۱} با منوچهر متکی وزیر امور خارجه کشورمان ملاقات و در خصوص راهکارهای توسعه مناسبات گفتگو کرد. در این دیدار متکی روابط دوستانه ایران و عمان را مثال زدنی خواند و از اقداماتی که تاکنون بخش های اقتصادی دو کشور برای تعمیق مناسبات ایران و عمان انجام داده اند، قدردانی کرد. متکی در ادامه به عنوان رئیس کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور، چشم انداز همکاری های فی مابین را روشن دانست و افزود: باید با اتخاذ خط مشی های مناسب فضایی ایجاد کنیم تا سرمایه گذاران ایران و عمان برای کار در کشور متقابل تشویق شوند.)) (۱۷)

((منوچهر متکی وزیر امور خارجه کشورمان در دیدار با مقبول بن علی بن سلطان وزیر بازرگانی و صنایع عمان و رئیس عمانی کمیسیون مشترک اقتصادی با اشاره به مناسبات ۲ کشور اظهار داشت: مناسبات دو کشور مبتنی بر احترام متقابل و علایق متین استوار است... وی با اشاره به مؤلفه های همکاری های فی مابین اظهار داشت: تجارت، حمل و نقل دریایی، صنایع و انرژی چهار مؤلفه مهم برای تعمیق مناسبت است و ما امیدواریم حجم مناسبات اقتصادی و تجاری از ۲۰۰ میلیون دلار به ۲ میلیارد دلار طی سال آینده ارتقا پیدا کند... در ادامه این دیدار مقبول بن علی بن سلطان وزیر بازرگانی و صنایع عمان با اشاره به ضرورت راه اندازی شرکت کشتیرانی مشترک اظهار داشت: روند تجارت و مراودات تجاری ایجاب می کند در تشکیل شرکت کشتیرانی مشترک تسریع شود و این امر باعث تبادل کالا شده و تسهیلات خوبی در اختیار تجار قرار

خواهد داد... وی {مقبول بن علی بن سلطان} با تبیین ضرورت سرمایه‌گذاری در زمینه سیمان و تولید آن برای پروژه‌های مسکونی گفت: ایران و عمان تفاهم کرده‌اند تا در خصوص احداث يك کارخانه سیمان با ظرفیت يك میلیون تن سیمان با ۵۰ درصد سهم هر يك، اقدامات لازم به عمل آورند...)) (۱۸)

همچنین ((دکتر سید مسعود میر کاظمی در مذاکرات خود با وزیر نفت عمان بیان کرد فرمول فروش گاز ایران به عمان فرمولی معین و صادرات گاز ایران به کشورهای متقاضی مطابق فرمولی مشخص و بر اساس حجم گاز مورد نیاز و توانمندی تامین آن از سوی ایران انجام خواهد شد... میرکاظمی در مورد صادرات گاز به عمان اعلام کرد: پیش بینی میشود پس از دو یا سه سال زمان مورد نیاز برای تکمیل پروژه های قابل بهره برداری این موضوع نهایی گردد و با ادامه همکاریهای دو کشور به ویژه در حوزه انرژی شاهد روابط گسترده فیما بین باشند. وزیر نفت عمان نیز در این مذاکرات محور گفت و گوهای ایران و عمان را تامین و انتقال گاز به کشورش خواند و افزود پیشنهاد های مختلفی برای انتقال گاز به عمان مطرح شده است و بررسی برای نهایی شدن آن ادامه دارد. محمد بن حمد الرمحی همچنین تصریح کرد: در زمینه نفت و گاز تفاهم های خوبی میان دو کشور وجود دارد و نیز آمادگی عمان را از حضور شرکتهای ایرانی به منظور سرمایه گذاری در پروژه های نفت و گاز اعلام کرد.)) (۱۹)

از سوی دیگر ((سومین نمایشگاه اختصاصی ایران در عمان با حضور معاون وزیر بازرگانی و رییس کل سازمان توسعه تجارت ایران و رئیس اتاق بازرگانی عمان بطور رسمی افتتاح شد. این نمایشگاه با حضور بیش از ۳۰ شرکت ایرانی در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی عمان در مسقط افتتاح شد. رئیس سازمان توسعه تجارت ایران در جریان افتتاح سومین نمایشگاه اختصاصی ایران در عمان، گفت: کشور عمان یکی از کشورهای دوست و برادر ایران است که اکنون تعاملات بسیاری در ابعاد سیاسی و اقتصادی با این کشور داریم... معاون وزیر بازرگانی اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران در سال های اخیر موفق شده برنامه های ویژه ای را در سطح توسعه همکاری های ناوگان کشتیرانی و همکاری با مهمترین بنادر ایران و عمان برقرار کند که برگزاری این نمایشگاه می تواند بر توسعه این همکاری ها تاثیر ویژه ای داشته باشد.

افقهی تصریح کرد: حجم تبادلات تجاری ایران با عمان، نزدیک به ۲۵۰ میلیون دلار است و اگر رقم صادرات خدمات فنی مهندسی را به آن اضافه کنیم حجم صادرات ۵۰۰ میلیون دلاری را شامل خواهد شد. وی با بیان اینکه "پیش بینی می کنیم با توجه به پتانسیل های دو جانبه ایران و عمان و مراودات ۵۵ میلیارد دلاری عمان با کشورهای جهان و ظرفیت های بسیار خوب آن قابل افزایش باشد"، گفت: عمان بدلیل تعیین تعرفه های بسیار مناسب برای ورود به کشورهای عربی می تواند در آینده ظرفیت های ویژه ای برای گسترش صادرات غیرنفتی ایجاد کند که در این بین می توان به صادرات محصولات غذایی و حیوانات زنده از ایران اشاره کرد که با تعرفه صفر درصد وارد این کشور می شود.)) (۲۰)

ضمناً برخلاف عربستان که در کشاکش قدرت با ایران است و یا امارات متحده عربی که در ماجرای ادعای واهی بر جزایر سه گانه، با ایران دارای دعاوی حقوقی میباشد، عمان از همکاری دوستانه و نزدیک با ایران برخوردار بوده تاجاییکه حتی در مورد منطقه نفتی مشترک هنگام درآبهای جنوبی ایران نیز، برخلاف سایر همسایگان دیگری که با آن کشور دارای مناطق مشترک نفت و گاز هستند، عمان تاکنون ادعای حقوقی خاصی را عنوان نکرده و آمادگی خود را برای همکاری متقابل به جهت توسعه و سرمایه گذاری در آن منطقه انرژی خیز را اعلام کرده است.

((تشکیل کمیته مشترک نظامی دو کشور و برگزاری جلسه سالانه این کمیته در تهران و مسقط نمادی از همکاری های مهم نظامی دو کشور است. استفاده از تجارب یکدیگر و همچنین همکاری مشترک نظامی در برپایی مانورها و شرکت نیروهای مسلح دو کشور در مانورهای یکدیگر در این کمیته مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. در همین چارچوب سال گذشته ناو لجستیکی خارك و ناو شهید قندی در پایان يك ماموریت آموزشی در بندر مسقط پهلو گرفت و مورد استقبال مقامات این کشور قرار گرفت. در سال جاری نیز همزمان با سی امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ناو ایرانی بندر عباس پس از گذراندن يك ماموریت دریایی سی روزه در بندر سلطان قابوس پهلو گرفت. نیروهای مسلح دو کشور همچنین در مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم و سایر زمینه های ورزشی در عمان و ایران شرکت می کنند.)) (۲۱)

لازم به ذکر است که در طی ۲ سال اخیر زمینه همکاری های نظامی مابین دو کشور تا حدود بسیاری افزایش داشته هر چند که سلطان نشین عمان در حال حاضر با کشورهای فرامنطقه ای همچون آمریکا دارای روابط نظامی است ولیکن این امر باعث نگردیده که مقامات ایشان همکاری های نظامی با همسایه استراتژیک خود را به بوته فراموشی بسپارند در این راستا دیدارها و پیشنهاداتی از جانب طرفین مطرح گردیده که به بخش هایی از آن اشاره می نمایم.

((هیات نظامی جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در هفتمین کمیته مشترک دوستی، نظامی ایران و عمان {در شهریور ماه سال ۸۷} وارد مسقط شد. این هیات نظامی جمهوری اسلامی ایران به ریاست سردار محمد علی رحمانی جانشین معاونت عملیات ستادکل نیروهای مسلح ایران و رئیس کمیته مشترک دوستی، نظامی ایران و عمان وارد مسقط شد. برنامه ها و جلسات کمیته دوستی، نظامی ایران و عمان به مدت سه روز در مسقط و با دیدار هیات ایرانی با رئیس ستاد نیروهای مسلح عمان آغاز خواهد شد و با دیدار از تاسیسات دفاعی و مسوولان این کشور ادامه خواهد یافت.)) (۲۲)

در همین راستا نخستین دور گفتگوهای اجلاس کمیته مشترک دوستی نظامی مابین ایران و عمان در اواخر پاییز سال جاری تحت ریاست امیرسرتیپ محمد علی رحمانی جانشین معاون اطلاعات و عملیات ستاد

کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سرتیپ راشد بن سیف محسن الشیدی معاون عملیات و برنامه‌ریزی ستاد کل نیروهای مسلح عمان برگزار گردید. در این گفتگوها ضمن توجه سران هردوسرزمین در رابطه با تحکیم مناسبات دوجانبه، بر اهمیت توسعه همکاری های نظامی میان یکدیگر تاکید ورزیدند. در ضمن این مذاکرات، وجود ازین دست همکاریهای نظامی، عاملی مثبت جهت تثبیت صلح و تأمین امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز عنوان گردید. برخی موضوعات مورد علاقه در این دیدار را می توان در خصوص همکاریهای دریایی، مسایل آموزشی، گارد ساحلی، بازدید از شناورهای دریایی و ارتباطات نام برد. که البته در پایان اجلاس در بندر عباس یک رزمایش مشترک امداد و نجات برگزار شد. البته دیداری در سال گذشته مابین فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران با مقامات عالی رتبه ارتش سلطان نشین عمان صورت گرفته که در این دیدار با اشاره به حساسیت و اهمیت تنگه استراتژیک هرمز، به مسئولان ارتش عمان، ایده تشکیل گشت دریایی مشترک ارائه توضیح داده شد. یکی از عواملی که در روابط همسایگان منجر به ایجاد حسن همجواری و اعتماد متقابل می گردد همانا وجود روابط تنگاتنگ نظامی است. موضوعی که بوضوح می توان نمونه هایی از آن را در شبه قاره هند (مابین هندوستان و پاکستان) و همچنین در منطقه خاور دور (مابین دو کره) جایی که سرزمین های مذکور هرازگاهی سعی می نمایند از این طریق یا حداقل تنها با مطرح کردن لفظی چنین روابطی تنش های موجود را تقلیل دهند. بنابراین در راستای افزایش سطح روابط اقتصادی با عمان، به همین موازات می باید هم پوشانیهای نظامی نیز روبه رشد قرار گیرد. از فواید این تدبیر تسلط بیش از پیش ایران بر تنگه هرمز و قدرت مانور بیشتر در منطقه خلیج فارس می باشد. بالطبع نیروهای فرمانطقه ای غربی در حال حاضر در سلطان نشین عمان حضور چشمگیری دارند (که بطور حتم نتایجی میمونی نمی تواند در روابط متقابل در برداشته باشد) و اگر به همین موازات ایران همکاریهای نظامی خود را با عمان افزایش دهد به نحوی که سلطان قابوس حاکمیت خود را از جانب ایران به هیچ عنوان تحت مخاطره نبیند و به نوعی احساس امنیت کامل نماید آنگاه قطعاً با ادامه این روند سردمداران عمانی به این نتیجه خواهند رسید که دیگر لزومی به ادامه حضور نیروهای فرمانطقه ای و تحمل نتایج و عواقب آن نخواهد بود. پیامد این فرایند سرآغازیست بر حضور هرچه گسترده تر نیروهای ایرانی در منطقه خلیج فارس، که البته مکمل این جریان همانا به کارگیری عنصر سیاست موازنه مثبت و تعامل سازنده در دستگاه دیپلماسی ایران می باشد.

نتیجه گیری ؛

پس از رویدادهای سال ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی که بر پایه شیعیان و صدور انقلاب استوار بود، بالطبع در معادلات منطقه ای تغییرات اساسی پدید آمد، تا بدان وجه که کشورهای غیردموکراتیک جنوبی حوزه خلیج فارس موقعیت خود را در خطر دیدند و با حمایت های کشورهای غربی بر علیه ایران جبهه گیری نموده و موقعیت رهبری ایران بر خلیج فارس تاحدودی متزلزل شد و با آغاز جنگ تحمیلی، این موقعیت تنزل چشم گیری یافت. طبعاً ممالک عربی از جمله عمان نیز با وحشت فزاینده ای مواجه شد و این امر باعث گردید که سطح روابط ایران با همسایگان عرب خاصه عمان علی رغم وجوه مشترک تاریخی و فرهنگی بسیار تاحد قابل محسوسی تقلیل یابد. شاید اگر سردمداران دستگاه دیپلماسی ایران در آن شرایط بغرنج که موضع گیری های ضد ایرانی رایج گردیده بود، تصمیمات معتدل تری اتخاذ می نمودند شاهد جبهه گیری اعراب و شکل گیری نهادهای چون (شورای همکاری خلیج {فارس}) که بی شک در جهت مقابله با ایران ایجاد گردید روبرو نمی گردیدیم. این شورا به بهانه همکاری های اقتصادی، سیاسی و نظامی ۶ کشور عضو (امارات متحده عربی، بحرین، قطر، کویت، عربستان سعودی و عمان) به وجود آمد، ولی عملاً کانونی برای گردآوری دلارهای نفتی منطقه و انتقال آن به بغداد برای تقویت بنیه نظامی عراق بر علیه ایران شده بود. سلطان نشین عمان همانطور که درسطور پیشین ذکر گردید در برابر این شریان تازه ایجاد شده در منطقه خاورمیانه صرفاً به دلایل امنیتی ناشی از به مخاطره افتادن حاکمیت خود، حالتی تدافعی گرفت و حتی سلطان قابوس با علم به اینکه تداوم قدرت وی مرهوم کمک های بی دریغ ایران می باشد، ولیکن درابتدای جنگ تحمیلی مابین ایران و عراق جانب کشور متجاوز را گرفت. این امر تا ماجرای فتح خرمشهر تداوم یافت تا اینکه پس از این مرحله از تخاصم و ایجاد نوعی توازن نظامی، عمان سیاست بی طرفی را پیشینه نمود و این سیاست را تا پایان جنگ تحمیلی ادامه داد هرچند که رسانه های عمومی این کشور به حمایت از عراق ادامه دادند. به هر روی پس از پایان جنگ و مخصوصاً در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی سطح روابط میان دو کشور تا حد مطلوبی گسترش یافته و در دوران ریاست محمود احمدی نژاد به بالاترین سطح خود (البته در قیاس با سایر دول عربی) رسیده و امید می رود سطح روابط با پتانسیل های موجود بیش از پیش فراتر رود. سفرهای متمادی (سیاسی و اقتصادی و نظامی) مابین مقامات هر دو دولت از سطوح مختلف در سال های اخیر خود موید این مدعا می باشد. سرزمین عمان همواره بایستی به عنوان ((حیات خلوت)) ایران محسوب گردد زیرا با توجه به این امر که نزدیک ترین کشور (از دید سیاسی اقتصادی و...) حوزه خلیج فارس به ایران این سرزمین است، بنابراین همانطور که اشاره گردید گسترش همه جانبه روابط می تواند نفوذ ایران در خلیج فارس و منطقه را در آینده تضمین نماید. اما در پایان این جستار نکته ای مهم در رابطه با رأس هرم قدرت در عمان و شخص سلطان قابوس لازم به ذکر می باشد. وی با توجه به کهولت سن از بیماری های مختلفی از جمله بیماری قند رنج می برد و دارای سلامتی پایداری نمی باشد. بنابراین استراتژیست های دیپلماسی و سیاست سازان در ایران می باید با لحاظ نمودن این امر صحنه سیاست عمان را همواره در زیر ذره بین مورد بررسی قرار داده تا احیاناً با شناسایی عوامل موثر در سطوح فوقانی قدرت از نظر خواستگاه سیاسی و نگرش نسبت به ایران و سایر دول در این کشور، سیاست های لازمه جهت تداوم و یا حتی افزایش نفوذ را پی ریزی و پی گیری نمایند.

پی نوشت ها؛

- (۱) امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس ، تألیف دکتر پیروز مجتهد زاده ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ، ص ۱۷
- (۲) Pirouz Mojtahedzadeh, Security and territoriality in the Persian Gulf , Richmond ,Surrey 1999.
- (۳) روزنامه - جام جم - تاریخ شمسی نشر ۱۳۸۷/۰۳/۲۶ نام گفت و گو شونده :مرتضی - رحیمی
- (۴) Mojtahedzadeh, Security and territoriality in the Persian Gulf , Pirouz(۴) Richmond ,Surrey 1999.
- (۵) مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی) جلد بیستم - شماره ۱ - سال ۱۳۸۵ صص ۱۴۹-۱۷۰
- (۶) عمان انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ص ۱۳
- (۷) Oman ,Published by the government of Oman, Muscat 1976.P.26(4)
- (۸) نام خلیج فارس در درازای تاریخ تألیف دکتر پیروز مجتهد زاده نشر سایه روشن ص ۴۷
- (۹) Walter Dostal, the shihuh of oman , the geographical journal, No. 138(1) March 1972
- (۱۰) pp.1-7
- (۱۱) عمان انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ص ۱۵۹
- (۱۲) همان صص ۱۶۲ و ۱۶۳
- (۱۳) J. E. Peterson , ((Guerrilla Warfare and Ideological Confrontation in Dhufar) , World Affairs, Vo1. 139, No.4: Spring 1977, p.206.
- (۱۴) Ibid., (yani manande ghabl)
- Alvin J. Cottrell, Iran :Diplomacy in a Regional and Global Context, 1975 ,p.10.
- گردآوری شده توسط دکتر پیروز مجتهد زاده
- (۱۵) امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ص ۲۴
- (۱۶) عمان انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی صص ۱۶۹ و ۱۸۲
- (۱۷) خبرگزاری فارس، سیاست خارجی، ۸۶/۱۱/۱
- (۱۸) همان گروه سیاست خارجی ۸۷/۱۰/۲
- (۱۹) بر گرفته از پایگاه شرکت ملی گاز ایران ۸۸/۳/۳
- (۲۰) برگرفته از پایگاه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ۰۶ بهمن ۱۳۸۸
- (۲۱) گفتگوی خبرگزاری فارس با مرتضی رحیمی سفیر ایران در عمان ۸۷/۱۲/۲
- (۲۲) به نقل از روزنامه مردمسالاری تاریخ ۴/۶/۸۷